

زکات از دیدگاه مذاهب اسلامی

□ سید ذکی موسوی *

چکیده

نوشتار حاضر با عنوان (زکات از دیدگاه مذاهب اسلامی) به بررسی موارد اتفاق و اختلاف تعلق زکات، شرایط، مستحقین و انواع زکات می پردازند.

از مقایسه میان آرا و فتاوی امامیه و مذاهب اهل سنت، می توان نتیجه گرفت: مواردی که اتفاق نظر میان امامیه و مذاهب اربعه اهل سنت حداقل در مباحث کلی، با صرف نظر از امور جزئی مانند نصاب و حول، وجود دارد عبارت اند از: انعام ثلاثه (گوسفند، شتر، گاو) غلات اربعه (گندم، جو، کشمش، خرما) نقدین (طلا و نقره مسکوک).

این موارد، مورد اتفاق تمامی مذاهب است و به بیان دیگر، هر آنچه را که امامیه معتقدند زکات به آن تعلق می گیرد اگر شرایط آن فراهم باشد، مذاهب چهارگانه نیز به وجوب زکات آن معتقدند، اگرچه ممکن است در شرایط تعلق زکات و برخی فروع جزئی، با تفاوت فتوا مواجه باشیم.

افزون بر موارد بالا، که به نظر همه مذاهب، متعلق زکات می باشد مواردی نیز بالاتفاق متعلق زکات نیست؛ به عبارت دیگر مواردی را که تمام یا اکثر مذاهب چهارگانه معتقد به نفی زکات از آنها می باشند، امامیه نیز وجوب زکات را از آنها نفی می کنند. مهمترین این موارد عبارتند از:

خانه مسکونی، لباس برای پوشش بدن، لوازم منزل، وسیله سواری، سلاح برای کاربرد، ظروف برای زینت (غیر از طلا و نقره) لؤلؤ و یاقوت و زبرجد و سایر جواهرات که برای تجارت نباشد، همچنین کتب علمی که برای تجارت نباشد و همچنین ابزار و آلات صنعت از این موارد در فقه امامیه

به عنوان مؤونه و مایحتاج زندگی تعبیر می شود که نه تنها متعلق زکات نیست، بلکه خمس هم به آن ها تعلق نمی گیرد. بعلاوه زکات اسب و قاطر و الاغ و سگ شکاری و مانند آن ها نیز واجب نیست، مگر این که برای تجارت باشد.

مواردی را که همه یا بیشتر مذاهب چهارگانه اهل سنت، متعلق زکات شمرده اند، ولی در مذهب امامیه متعلق زکات نیست عبارت اند از: ۱. طلا و نقره غیر مسکوک ۲. مال التجاره؛ مذاهب چهارگانه آن را واجب و امامیه مستحب شمرده اند ۳. میوه جات و محصولات کشاورزی غیر از غلات اربعه؛ ۴. معدن و گنج؛ ۵. اوراق نقدی و اسکناس؛ ۶. اجاره بها؛ ۷. مهریه زنان؛ ۸. استفاده اموال؛

مقدمه

زکات که در لغت به معنای تطهیر و نمو است، به نظر مذاهب اسلامی یکی از ضروریات دین و از ارکان اسلام، محسوب می شود که آیات و روایات فراوانی دلالت بر وجوب و اهمیت این فریضه الهی دارد. به تصریح قرآن کریم «وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ» (معارج: ۲۴) زکات واجبی است مالی و از مالیات هایی است که هر مسلمان دارای شرایط باید از دارایی خود پردازد و به مصارف مقرر شرعی آن برساند. (. العروة الوثقی، ج ۲، کتاب الزکات و کتاب الخمس؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۵۰۶-۵۰۱؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۲۸۸-۲۴۸؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، صص ۲۹۷-۲۶۷؛ الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب اهل البيت عليهم السلام، ج ۱، صص ۸۰۰-۷۶۷؛ تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الخمس و کتاب الزکات)

در این نوشتار به جهت اطلاع از دیدگاه مذاهب اسلامی در مورد زکات، مباحث ذیل به صورت خلاصه اشاره می شود.

انواع زکات، موارد مورد اتفاق در متعلق زکات، انعام ثلاثه (گوسفند، شتر، گاو) غلات اربعه (گندم، جو، کشمش، خرما) نقدین (طلا و نقره مسکوک). اوراق مالی، معادن و رکاز (کنز)، زراعت و میوه، موارد اتفافی در عدم تعلق زکات، موارد اختلافی میان امامیه و سایر مذاهب در تعلق زکات، شرایط وجوب زکات، مستحقین زکات، زکات فطره. شرایط وجوب زکات فطره از نظر مذاهب اسلامی، مقدار فطره، چگونگی پرداخت فطره و زمان وجوب فطره

انواع زکات:

زکات دو نوع است. ۱. زکات اموال ۲. زکات فطره (بدن) در نوشتار حاضر ابتداء به زکات اموال و سپس به زکات فطره از دیدگاه مذاهب اسلامی اشاره می شود.

زکات اموال:

این که چه اموالی متعلق زکات است و باید زکات آن‌ها پرداخت شود، مذاهب اسلامی درباره برخی موارد اتفاق نظر دارند و يك صدا آن‌ها را از دارایی‌های متعلق زکات می‌شمارند و در مواردی اختلاف نظر و فتوا مشاهده می‌شود.

موارد مورد اتفاق در متعلق زکات:

مواردی که اتفاق نظر میان امامیه و مذاهب اربعه اهل سنت حداقل در مباحث کلی، با صرف نظر از امور جزئی مانند نصاب و حول، وجود دارد عبارت‌اند از: انعام ثلاثه (گوسفند، شتر، گاو) غلات اربعه (گندم، جو، کشمش، خرما) نقدین (طلا و نقره مسکوک).

این موارد، مورد اتفاق تمامی مذاهب است و به بیان دیگر، هر آنچه را که امامیه معتقدند زکات به آن تعلق می‌گیرد اگر شرایط آن فراهم باشد، مذاهب چهارگانه نیز به وجوب زکات آن معتقدند، اگرچه ممکن است در شرایط تعلق زکات و برخی فروع جزئی، با تفاوت فتوا مواجه باشیم. (. العروة الوثقی، ج ۲، کتاب الزکات و کتاب الخمس؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۵۰۶-۵۰۱؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۲۸۸-۲۴۸؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، صص ۲۹۷-۲۶۷؛ الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب اهل البيت عليهم السلام، ج ۱، صص ۸۰۰-۷۶۷؛ تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الخمس و کتاب الزکات)

انعام (حیوانات)

حنابله زکات را در وحشی از انواع آن نیز واجب می‌دانند. حنفیه می‌گویند: متولد از وحشی و اهلی را به مادرش نظر می‌کنیم؛ اگر مادرش اهلی بود زکات دارد و اگر وحشی بود، ندارد.

همچنین باید دانسته شود که در انواع مذکور، به جز مالکیها، بقیه مذاهب قائلند به این که، اینها باید در طور سال یا اکثر سال در چراگاه و مراتع بچرند (سائمه باشند). مالکیه می گویند: و لو این که در طول سال هم معلوفه باشند زکات دارند. (الفقه علی المذاهب الاربعه و مذهب اهل البیت، الغروی و یاسر مازح، کتاب الزکاة).

زکات شتر

در جدولی که خواهد آمد، نصاب شتر را ملاحظه می نمایید، اما پیش از آن لازم است با چند اصطلاح آشنا شویم.

حقه: شتری که سه سالش تمام و وارد سال چهارم شده باشد.

بنت مخاض: ماده شتری که داخل سال دوم شده باشد (یک سال تمام داشته باشد).

بنت لبون: ماده شتری است که داخل سال سوم شده باشد (دو سال تمام داشته باشد).

جدعه: ماده شتری است که داخل سال پنجم شده باشد (چهار سال تمام داشته باشد).

همچنین لازم به ذکر است که مذاهب اهل سنت جز مذهب مالکیه قائلند به این که در مورد حیوانات سه گانه، زکات شامل حیوان کاری مانند شتری که برای حمل بار یا گاوی که برای شخم زدن است، نمی شود.

نصاب شتر مقدار واجب آن ۵ تا ۱۹ گوسفند ۱۰ تا ۱۴ گوسفند ۱۵ تا ۱۹ گوسفند ۲۰ تا ۲۴ گوسفند

گوسفند ۲۵ تا ۳۵ بنت مخاض ۳۶ تا ۴۵ بنت لبون ۴۶ تا ۶۰ حقه ۶۱ تا ۱۷۵ جدعه ۷۶ تا ۹۰

۲ بنت لبون ۹۱ تا ۱۲۰ حقه ۱۲۱ تا ۱۲۹ بنت لبون ۱۳۰ تا ۱۳۹ حقه + ۲ بنت لبون ۱۴۰ تا ۱۴۹

۲ حقه + ۱ بنت لبون ۱۵۰ تا ۱۵۹ حقه ۱۶۰ تا ۱۶۹ بنت لبون ۱۷۰ تا ۱۷۹ بنت لبون + ۱ حقه

۱۸۰ تا ۱۸۹ بنت لبون + ۲ حقه ۱۹۰ تا ۱۹۹ حقه + ۱ بنت لبون ۲۰۰ تا ۲۰۹ حقه یا ۵ بنت لبون

مذهب حنفیه در عدد ۱۲۰ به بعد اختلاف کرده اند و به سه مذهب دیگر موافق نیستند که رأی

اختصاصی آنها را در جدول پایین مشاهده می نمایید.

نصاب شتر مقدار واجب آن ۱۲۵ حقه + ۱ گوسفند ۱۳۰ حقه + ۲ گوسفند ۱۳۵ حقه + ۳

گوسفند ۱۴۰ حقه + ۴ گوسفند ۱۴۵ حقه + ۱ بنت مخاض ۱۵۰ حقه ۱۵۵ حقه + ۱ گوسفند

۱۶۰ حقه + ۲ گوسفند ۱۶۵ حقه + ۳ گوسفند ۱۷۰ حقه + ۴ گوسفند ۱۷۵ حقه + ۱ بنت

مخاض ۳۱۸۶ حقه + ۱ بنت لبون ۱۹۶ ۴ بنت لبون ۲۰۰ ۴ یا ۵ بنت لبون

زکات گاو

گاو که شامل گاومیش هم می شود نصاب و مقدار واجب آن بر اساس جدول زیر می باشد. قبل از ملاحظه جدول، توضیح اصطلاحاتی را لازم می دانیم. تیبع: گاوی است که یک سالش تمام و داخل سال دوم شده باشد. مسنه: گاوی است که دو سالش تمام و داخل سال سوم شده باشد. البته مالکیه می گویند: تیبع گاوی است که دو سالش تمام شده و مسنه گاوی است که سه سالش تمام شده باشد.

نصاب گاو مقدار واجب ۱۳۰ تیبع ۱۴۰ مسنه ۲۶۰ تیبع ۱۷۰ مسنه ۱ تیبع ۲۸۰ مسنه ۳۹۰ تیبع ۱۱۰۰ مسنه ۲ تیبع ۲۱۱۰ مسنه ۱ تیبع ۳۱۲۰ مسنه ۴ تیبع

زکات گوسفند

گوسفند که شامل بز و میش می شود، جدول زیر مبین نصاب واجب آن می باشد. (فقه الزکاة، دکتر یوسف قرضاوی، ص ۱۸۵-۲۱۷). نصاب گوسفند مقدار واجب ۴۰ تا ۱۱۲۰ گوسفند ۱۲۱ تا ۲۲۰۰ گوسفند ۲۰۱ تا ۳۳۹۹ گوسفند ۴۰۰ تا ۴۹۹۹ گوسفند ۵۰۰ تا ۵۵۹۹ گوسفند ۶۰۰ تا ۶۶۹۹ گوسفند ۷۰۰ تا ۷۷۹۹ گوسفند همچنین به ازای هر ۱۰۰ گوسفند، یک گوسفند.

طلا و نقره

طلا با نصاب بیست مثقال و نقره با نصاب دویست درهم به شرط آنکه یک سال بر آن بگذرد زکات دارد و باید ۴۰۱ یا ۲/۵٪ آن پرداخت شود.

مذاهب چهارگانه، بر خلاف شیعه، زکات نقدین را در شمش که غیر مسکوک می باشد نیز واجب می دانند. اما در مورد زیورآلات، مذاهب مالکی، حنبلی و شافعی با شرایط مفصلی که هر کدام قائلند آنها را متعلق زکات نمی دانند، ولی حنفیه قائل به زکات در زیورآلات هستند. (الفقه علی المذاهب

الاربعه، ص ۶۱۴، ۶۱۵).

قابل ذکر است که قضاوی در فقه الزکاة نصاب طلا و نقره را این گونه استخراج کرده است:

گرم طلا ۸۵ = $\frac{۴}{۵}$ گرم \times ۲۰ مثقال طلا

گرم نقره ۵۹۵ = $\frac{۲}{۹۷۵}$ گرم \times ۲۰۰ درهم نقره

اوراق مالی

جز حنابله بقیه مذاهب اهل سنت گفته اند: کلیه اوراق مالی (مانند پول رایج) به دلیل آن که جانشین طلا و نقره می باشند و می توان در هر زمانی آنها را به طلا و نقره تبدیل کرد متعلق زکات واقع می شوند.

شافعی و حنبلی گفته اند: اگر طلا و نقره به چیز دیگری مانند مس یا نیکل مخلوط بود، زکاتی در آن نیست؛ مگر آنکه خالص آن به حد نصاب برسد.

اما حنفیه می گویند: به غالب نگاه می کنیم اگر غالب طلا یا نقره بود، در صورتی که به حد نصاب برسد، حکم همان غالب بر او بار می شود. (الفقه علی المذاهب الاربعه، ص ۶۱۴، ۶۱۵).

معادن و رکاز (کنز)

شافعیه معادن متعلق زکات را اختصاص داده اند به طلا و نقره، ولی سایر مذاهب عامه، تعمیم داده و می گویند:

«ما خلقه الله تعالى فی الارض من ذهب او فضة او رصاص او...»

«آنچه را که خداوند در زمین از طلا و نقره و سرب و... آفریده و نهاده است را شامل می شود.»

آنان برای معادن تقسیمات زیر را قائلند:

۱ - معادن مایع مانند نفت و...؛

۲ - معادن جامدی که به آتش روان نمی شوند مانند گچ و آهک و...؛

۳ - معادن جامدی که با آتش ذوب می شوند مانند طلا و نقره و آهن و...

که زکات به همه انواع آن تعلق می گیرد.

رکاز: تقریباً رکاز مرادف کنز (گنج) است، ولی گفته شده که کنز آن است که آدمی آن را در زمین دفن و

پنهان کرده است اما رکاز اعم است از آنچه که خداوند آن را در نهاد طبیعت نهاده یا آدمی در زمین پنهان نموده باشد. با این تعریف، رکاز اعم از کنز و کنز اخص از رکاز است. (فقه العبادات، حسین ایوب، ص ۳۷۶ و ۳۷۷).

در زمینه نصاب معادن، ابوحنیفه نصاب را معتبر ندانسته و در قلیل و کثیرش زکات را واجب می داند. ولی مالک، شافعی و ابن حنبل نصاب آن را نصاب نقود (معادل قیمت) می دانند. (فقه الزکات، یوسف قرضاوی، ص ۴۴۷).

زراعت و میوه

این نوع از زکات که به «عُشْر» یا «معشرات» در فقه اهل سنت معروف است، صرف نظر از اختلافی که مذاهب در تعیین انواع آن دارند، واجب است.

ابوحنیفه به عمومات «و ممّا اخرجنا لکم من الارض» و «آتوا حقّه یوم حصاده»، متمسک شده و همه میوه ها و سبزیجات و صیفی جاتی مانند بادنجان و خربزه و... را متعلق زکات می داند.

فخر رازی در تأیید این قول در تفسیر خود ذیل آیه «و ممّا اخرجنا...» می نویسد:

«ظاهر الاية يدلّ علی وجوب الزکاة فی کل ما تثبتہ الارض علی ما هو قول ابی حنیفه...» (تفسیر فخر رازی، ج ۷، ص ۶۵).

«ظاهر آیه دلالت بر وجوب زکات در هر آنچه از زمین می روید دارد، چنان که نظر ابوحنیفه نیز چنین است.»

ابوحنیفه همچنین نصاب را در انواع آن معتبر ندانسته و گفته است: زکات بر کم و زیاد آنها واجب است (فقه تطبیقی، محمد جواد مغنیه، ص ۱۳۵).

مالکیه و شافعیه می گویند: زکات هر چیزی که برای مخارج ذخیره شود مانند گندم، جو، برنج، خرما و... واجب است.

حنابله به وجوب زکات میوه و زراعتی که کیل شده و ذخیره گردد قائل شده اند. سه مذهب اخیر، نصاب این زکات را پنج وسق - هر وسق ۶۰ صاع یا ۵۰ کیل مصری است - می دانند. آنان می گویند، همه این محصولات اگر از آب باران یا آب جاری آبیاری شده ۱۰۱ و اگر از آب چاه و امثال آن آبیاری شده، ۲۰۱ از آنها را باید برای زکات استخراج نمود. (فقه تطبیقی، محمد جواد مغنیه، ص ۱۳۵).

موارد اتفاقی در عدم تعلق زکات

افزون بر موارد بالا، که به نظر همه مذاهب، متعلق زکات می‌باشد مواردی نیز بالاتفاق متعلق زکات نیست؛ به عبارت دیگر مواردی را که تمام یا اکثر مذاهب چهارگانه معتقد به نفی زکات از آنها می‌باشند، امامیه نیز وجوب زکات را از آنها نفی می‌کنند. مهمترین این موارد عبارتند از:

خانه مسکونی، لباس برای پوشش بدن، لوازم منزل، وسیله سواری، سلاح برای کاربرد، ظروف برای زینت (غیر از طلا و نقره) لؤلؤ و یاقوت و زبرجد و سایر جواهرات که برای تجارت نباشد، همچنین کتب علمی که برای تجارت نباشد و همچنین ابزار و آلات صناعت از این موارد در فقه امامیه به عنوان مؤونه و مایحتاج زندگی تعبیر می‌شود که نه تنها متعلق زکات نیست، بلکه خمس هم به آنها تعلق نمی‌گیرد. بعلاوه زکات اسب و قاطر و الاغ و سگ شکاری و مانند آنها نیز واجب نیست، مگر این که برای تجارت باشد. (جعفر پیشه فرد، مصطفی.، ۱۳۸۸ ه.ش.، درآمدی بر فقه مقارن، تهران - ایران، بعثه مقام معظم رهبری. معاونت امور روحانیون، صفحه: ۴۴۴)

موارد اختلافی میان امامیه و سایر مذاهب در تعلق زکات

مواردی را که همه یا بیشتر مذاهب چهارگانه اهل سنت، متعلق زکات شمرده‌اند، ولی در مذهب امامیه متعلق زکات نیست عبارت‌اند از:

۱. طلا و نقره غیر مسکوک

۲. مال التجاره؛ مذاهب چهارگانه آن را واجب و امامیه مستحب شمرده‌اند

۳. میوه‌جات و محصولات کشاورزی غیر از غلات اربعه؛ مذاهب چهارگانه علاوه بر غلات اربعه، در سایر محصولات و میوه‌جات نیز بر وجوب زکات فتوا می‌دهند، هر چند تفاوت‌هایی در فتوای آنها مشاهده می‌شود، ولی امامیه زکات را در سایر میوه‌ها و برخی از محصولات کشاورزی غیر از سبزیجات و حبوبات مستحب می‌شمرند

۴. معدن و گنج؛ اهل سنت زکات معدن و گنج را واجب شمرده و مقدار آن را خمس می‌دانند که طبق فتوای برخی از آنها مانند حنبلیه باید به بیت‌المال تحویل شود تا امام‌المسلمین یا نایب او صرف در مصالح مسلمانان کند

۵. اوراق نقدی و اسکناس؛ غیر از حنبلیه سایر مذاهب چهارگانه اسکناس و سندهای بانکی را به منزله طلا و نقره می‌شمرند و لذا زکات را در آنها واجب شمرده‌اند
۶. اجاره بها؛ اجاره ای را که موجر از مستأجر دریافت می‌کند باید زکات آن‌ها را با شرایطی؛ مانند نصاب حول پردازد
۷. مهریه زنان؛ مهریه زنان نیز اگر به حد نصاب برسد و از تاریخ وصول آن بگذرد، دادن زکات آن واجب است با شرایطی که در میان مذاهب متفاوت است
۸. استفاده اموال؛ درآمد و سود اموال مانند ربح تجارت و نتاج حیوان، علاوه بر خود اصل آن اموال، باید زکاتش پرداخت شود.

شرایط وجوب زکات

- ۱ - بلوغ و عقل: پس بر طفل و دیوانه زکات واجب نیست؛ گرچه در مال آنان واجب است و به عهده ولی آنهاست که زکات آنان را پردازد. فقه حنفیه، در مال آنان نیز زکات را واجب نمی‌داند. (الفقه علی المذاهب الاربعه، الجزایری، ص ۶۰۴).
- ۲ - اسلام: حنفیه، شافعیه و حنابله مسلمان بودن را شرط وجوب زکات می‌دانند و می‌گویند: بر غیر مسلمان زکات واجب نیست.
- مالکیه می‌گویند: بر کافر نیز زکات واجب است، گرچه از او صحیح نیست؛ زیرا زکات عبادت است و نیاز به قصد قربت دارد و صدور قصد قربت از کافر ممکن نمی‌باشد. (الفقه علی المذاهب الاربعه، الجزایری، ص ۶۰۴).
- ۳ - تمامیت ملک: منظور آن است که مالک بر مال خویش مسلط بوده و مال در تصرف او باشد و بتواند هرگونه دخل و تصرفی در آن به عمل آورد. پس در مال گمشده یا مغضوب زکات نیست.
- ۴ - گردش یک سال قمری: جمهور اهل سنت، گردش یک سال را برای زکات غیر از معادن، حیوانات و میوه شرط می‌دانند. در سه مورد ذکر شده به محض حصول، زکات آن واجب است.
- ۵ - رسیدن به حد نصاب: حد نصاب اموال زکوی متفاوت است که تفصیل آن خواهد آمد.
- ۶ - عدم دین: منظور آن است که مالک نصاب، مقروض نباشد. این مسئله مورد اختلاف مذاهب

است. شافعیه اصلاً فراغ از قرض را شرط ندانسته و می گویند: هر کس مال او به حد نصاب رسید، گرچه مدیون باشد، زکات بر او واجب است. حنابله، به طور مطلق قرض را مانع زکات می دانند و گفته اند: بدهکار اول باید بدهی خود را بپردازد، اگر باقیمانده به قدر نصاب بود، زکات آن را بدهد. مالکیه می گویند: دین و قرض، تنها مانع زکات طلا و نقره است. حنفیه قائلند: اگر بدهی از نوع حقّ الله باشد - مانند آنکه مالک بدهکار حج واجب است یا باید کفاره بپردازد - در اینجا مانع از زکات نیست؛ ولی اگر از نوع حق الناس باشد، جز در زکات محصولات زراعی و میوه جات، در سایرین مانع از زکات بوده و باید اول دیون خویش را بپردازد. (الفقه علی المذاهب الاربعه، الجزایری، ص ۶۰۷ و ۶۰۸).

مستحقین زکات

مذاهب اهل سنت، مستحقین زکات را همان اصناف هشتگانه ای که قرآن کریم معرفی فرموده، می دانند، که عبارتند از:

۱ - فقیر؛ ۲ - مسکین؛ ۳ - کارمندان و عوامل جمع آوری زکات؛ ۴ - مؤلفه قلوبهم، یا کسانی که با زکات به اسلام متمایل می شوند؛ ۵ - رقاب، منظور خریداری بندگان و آزاد کردن آنان است؛ ۶ - بدهکاران؛ ۷ - فی سبیل الله؛ ۸ - در راه ماندگان. (سوره توبه (۹) آیه ۶۰).

جمهور اهل سنت در تفسیر «فی سبیل الله» با فقه اهل بیت علیهم السلام اختلاف دارند. آنان می گویند: مراد از «فی سبیل الله»، مجاهدینی هستند که به میل خود در جنگ برای دفاع از اسلام شرکت می کنند.

ولی امامیه معتقدند راه خدا عام است، برای جنگجویان، تعمیر مساجد و بیمارستان و مدارس و دیگر مصالح عمومی. (فقه تطبیقی، مغنیه، ص ۱۴۰).

البته برخی از علماء اهل سنت همانند شیعه به توسعه در معنای «فی سبیل الله» قائلند که در این جا به نظر بعضی از آنان اشاره می کنیم.

۱- فخر رازی:

«أنّ ظاهر اللفظ في قوله تعالى: " في سبيل الله " لا يوجب القصر على الغزاة». (تفسير، ج ۱۶، ص ۱۱۳).

«ظاهر لفظ " في سبيل الله " موجب حصر در جنگجویان نیست.»

۲- رشید رضا:

«التحقيق أنّ سبيل الله هنا؛ مصالح المسلمين العامة التي بها قوام الدين و الدولة دون الافراد.» (تفسير المنار، ج ۱۰، ص ۵۸۵).

«واقعیت آن است که سبیل الله در این جا، مصالح عمومی مسلمانان است که قوام دین و دولت اسلام بدان وابسته است، نه اشخاص و افراد.»

۳- شیخ محمد شلتوت:

وی در جواب یک استفتا در مورد صرف زکات در امور مربوط به مساجد می نویسد:

«والصرف على المسجد في تلك الحالة يكون من المصرف الذي ذكر في آية المصارف الواردة في السورة باسم "سبيل الله" و هذا مبني على اختيار أنّ المقصود بكلمة "سبيل الله" المصالح العامة.» الفتاوى للشيخ الشلتوت، ص ۲۱۹، چاپ مصر.

«صرف در مساجد در این حالت، از مصرفی است که در آیه مربوط به مصارف زکوة به اسم «سبیل الله» آمده است و این مبنی بر اختیار این مطلب است که مقصود به کلمه «سبیل الله» مصالح عمومی مسلمین است.»

۴- شیخ حسنین مخلوف - مفتی اسبق دیار مصر -:

«سئل عن جواز الدفع لبعض الجمعيات الخيرية الاسلامية من الزكاة، فافتى بالجواز مستندا الى ما نقله الرازي عن القفال وغيره في معنى «سبيل الله». (الفتاوى الشرعية، شیخ مخلوف، ج ۲).

«سؤال شده است از جواز اعطای زکات به جمعیت‌های خیریه اسلامی، پس من فتوی به جواز می دهم، به استناد آنچه که فخر رازی از قفال و دیگران در معنی «فی سبیل الله» نقل کرده است.»

زکات فطره:

قسم دومی از زکات که مذاهب اسلامی؛ واجب می دانند، زکات فطره، است. (فطره یا به معنای خلقت و بدن یا به معنای دین و یا به معنای افطار است. اهل سنت از این زکات، تعبیر به زکات فطر (بدونۀ) کرده اند.)

این زکات در روز عید فطر، در پایان ماه مبارک رمضان واجب می شود. به گفته روایات، پیش از تشریح زکات اموال، در همان سالی که روزه رمضان فرض گردید، زکات فطره هم تشریح شده و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم يك يا دو روز پیش از عید فطر، در خطبه ها، فرمان به اخراج آن داد و فرمود: «ادوا صاعاً من بُرّ أو قمح أو صاعاً من تمر أو شعیر، عن کلّ حرّ أو عبد، صغیر و کبیر». (بُرّ و قمح هر دو به معنای گندم است، ولی قمح گندمی است که کاملاً رسیده و برای آرد شدن و پخت نان آماده است) العروة الوثقی، ج ۲، صص ۳۵۵ و ۳۵۳؛ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۲۶؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۵۳۰-۵۲۷؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۳۰۷؛ لسان العرب، واژه قمح؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۲، صص ۲۹۲-۲۹۰)

در روایات خاصی زکات فطره تمام کننده روزه شمرده شده است: «مِنْ تَمَامِ الصَّوْمِ كَمَا أَنَّ الصَّلَاةَ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مِنْ تَمَامِ الصَّلَاةِ».

حکم زکات فطره

مذاهب اسلامی (جز حنفیه)؛ زکات فطره را فرض می دانند ولی حنفیه آن را به اصطلاح فقهی خود واجب می شمرند که مترادف سنت مؤکد است. (العروة الوثقی، ج ۲، صص ۳۵۵ و ۳۵۳؛ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۲۶؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۵۳۰-۵۲۷؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۳۰۷؛ لسان العرب، واژه قمح؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۲، صص ۲۹۲-۲۹۰)

یادآوری:

به نظر مذهب امامیه، علاوه بر روایات، در قرآن کریم نیز آیه «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى» بر وجوب فطره دلالت دارد.

شرایط وجوب زکات فطره از نظر مذاهب اسلامی

امامیه: فرد عاقل بالغ هشیار غیر فقیر و حرّ باید فطریه خود و افرادی را که نان خور او محسوب می‌شوند بپردازد؛ خواه واجب‌النّفقه باشند یا نباشند. فطریه جنین هم واجب نیست، ولی نوزادی که پیش از غروب شب عید فطر متولد شود، فطریه‌اش باید پرداخت شود.

حنبلیه: مسلمانی که فقیر نیست و مخارج خود و زن و فرزندانش را علاوه بر نصاب دارد، باید فطریه خود و کسانی را که مؤونه آنها را تأمین می‌کند ولو جنین بپردازد.

حنفیه: ۱. اسلام ۲. حریت ۳. علاوه بر داشتن نیازهای اصلی زندگی و داشتن نصاب از شرایط آن است، ولی عقل و بلوغ شرط آن نیست و مجنون و صغیر غیر فقیر را ولی آنها از طرف آنها اخراج می‌کند و واجب است انسانی که شرایط سه‌گانه بالا را دارد فطریه خود، خادم، ولد مجنون کبیر و ولد صغیر فقیر خود را بپردازد و فطریه زوجه بر عهده زوج نیست.

شافعیه؛ بر هر مسلمانی که مخارج خود و زن و فرزندانش را دارد واجب است فطریه خود و افراد لازم‌النّفقه‌اش را بپردازد و آنها عبارت‌اند از همسر غیر ناشزه، اصل خود و فرع خود اگر فقیر یا مسکین هستند و مملوک ولو آبق باشند.

مالکیه؛ بر هر مسلمانی که فقیر نیست و قوت خود و لازم‌النّفقه‌اش را دارد و می‌تواند فطریه را ولو با قرض کردن بپردازد، واجب است فطریه خود و افراد لازم‌النّفقه‌اش از اقارب را بپردازد و آنها عبارت‌اند از پدر و مادر فقیر، فرزندان ذکور فقیر و دختران فقیری که ازدواج نکرده‌اند و مملوک و زوجه خود و زوجه پدرش که فقیر است.

یادآوری:

غیر از حنبلیه، سایر مذاهب شرط وجوب پرداخت فطریه افراد تحت تکفل را فقر می‌شمرند، در حالی که طبق مذاهب امامیه شرط آن صدق عیلولت است ولو فقیر هم نباشند.

مقدار فطریه

امامیه؛ يك صاع از گندم، جو، خرما، کشمش، برنج یا ذرت بپردازد و اگر قیمت یکی از اینها را بپردازد کفایت می‌کند.

حنبلیه؛ يك صاع از گندم، جو، خرما، کشمش و مانند آن می‌پردازد.
حنفیه؛ برای هر فرد، نصف صاع گندم یا يك صاع خرما یا جو و یا کشمش باید پرداخت ولی می‌تواند قیمت آن‌ها را به فقرا بپردازد.
شافعیه؛ برای هر فرد يك صاع از قوت غالب است، ولی بهتر است از گندم، جو، برنج، عدس، خرما، کشمش و مانند آن باشد، البته نمی‌شود نصف از يك قوت و نصف از قوت دیگر داد و پرداخت قیمت کافی نیست.
مالکیه؛ از هر شخص يك صاع از قوت شهر که غالب است؛ مانند: قمح، جو، خرما، کشمش و غیر غالب مجزی نیست مگر این که بهتر باشد و اگر گوشت می‌دهد باید دو نفر را سیر کند.
یادآوری:

در مورد مقدار زکات فطره، در غیر گندم، اجماع مذاهب اسلامی است که يك صاع است و در مورد گندم نیز به جز حنفیه همه مذاهب آن را يك صاع می‌دانند و تنها این مذاهب نصف صاع را مطرح کرده‌اند. (العروة الوثقی، ج ۲، صص ۳۶۵-۳۶۰؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۵۳۳-۵۳۱؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۳۰۹ و ۳۰۸؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، صص ۲۹۴-۲۹۲)

مصرف فطریه

امامیه؛ زکات فطره را به یکی از هشت مصرفی که در زکات مال است می‌توان به مصرف رسانید، ولی بهتر است فقط به فقیر پرداخت شود.
مذاهب چهارگانه (جز مالکیه)؛ همان مصرف زکات اموال است.
مالکیه؛ به اصناف مذکور در آیه، به شرطی می‌توان فطریه داد که فقیر یا مسکین و حرّ مسلمان و از غیر بنی‌هاشم باشد و الاّ زکات به او پرداخت نمی‌شود.
فقهای امامیه قصد قربت را هم شرط در پرداخت دانسته‌اند.

چگونگی پرداخت فطریه

امامیه؛ نمی‌توان به يك فقیر کمتر از يك صاع داد، ولی پرداخت چندین صاع به يك نفر اشکال ندارد،

البته به کسی که فطریه را در معصیت خرج می‌کند نمی‌توان داد.
حنبلیه؛ می‌توان فطریه چند نفر را به یک نفر پرداخت و ایشان نمی‌تواند زکات را به کس دیگری بفرشد
ولو غیر از پرداخت کننده زکات باشد.
حنفیه؛ می‌توان فطریه چند نفر را به یک مسکین و فطریه یک نفر را به چند مسکین پرداخت.
شافعیه؛ در این مسأله تصریحی از شافعیه مشاهده نشده است.
مالکیه؛ می‌توان به هر فقیر یا مسکین یک صاع یا بیشتر یا کمتر پرداخت ولی بهتر است به هر نفر یک
صاع پردازد.
یادآوری:
به اجماع مسلمانان، زکات به بنی‌هاشم (سادات) داده نمی‌شود.

زمان وجوب فطریه

امامیه؛ از غروب شب عید فطر واجب می‌شود و باید تا ظهر عید فطر یا تا هنگام نماز عید برای کسی
که نماز عید می‌خواند به احتیاط واجب ادا شود. اگر در این زمان مستحق یافت نشد، باید آن را کنار
بگذارد و در اولین فرصت پردازد و تقدیم آن نیز جایز نیست.
حنبلیه؛ غروب شب عید فطر واجب می‌شود. افضل اخراج آن قبل از نماز عید است و بعد از آن
کراهت دارد و تأخیر آن از عید حرام است، ولی باید قضا کند و دو روز قبل از عید هم مجزی است.
حنفیه؛ از طلوع فجر عید فطر واجب می‌شود، ولی تقدیم و تأخیر در ادای آن اشکال ندارد، چون وقت
ادا همه عمر است، ولی مستحب است پیش از خروج به سوی مصلاً باشد.
شافعیه؛ آخرین جزو رمضان و اولین جزو شوال وقت وجوب فطریه است، ولی سنت است که اول روز
عید فطر و قبل از نماز عید خارج کند و بعد از آن تا غروب عید کراهت دارد و بعد از غروب حرام است
مگر به خاطر عذر مانند غایب بودن مستحق و می‌توان از اول ماه رمضان پرداخت.
مالکیه؛ بعد از فجر روز عید مندوب است پردازد، ولی یک یا دو روز قبل از عید، نه بیشتر نیز جایز
است، ولی تأخیر آن از عید حرام است ولی در ذمه او باقی است اگر شب عید قدرت بر پرداخت داشته
باشد.

نتیجه‌گیری

پس از مقایسه میان آرا و فتاوی‌ای امامیه و مذاهب اهل سنت، می‌توان نتیجه گرفت: اهل سنت از يك سو دایره زکات را به بسیاری از مواردی که امامیه معتقد به آن نیستند توسعه داده‌اند و از سوی دیگر خمس را محدود به امثال غنیمت و گنج کرده‌اند. به عکس، امامیه از يك سو دایره زکات را محدود به نه مورد کرده و در مواردی نیز به استحباب زکات فتوا داده‌اند و از سوی دیگر دایره خمس را به مواردی؛ مانند در آمد کسب نیز وسعت داده‌اند.

در واقع می‌توان گفت: بسیاری از موارد که در نظر اهل سنت زکات است، در فتوای امامیه «خمس» نام گرفته و مواردی که در نظر امامیه خمس نامیده شده به فتوای اهل سنت، در دایره «زکات» وارد شده است. در حقیقت اجماع مرکبی میان تمامی مسلمانان پدید آمده است که بسیاری از اموال و دارایی‌های انسان متعلق «مالیات اسلامی» و حق دیگران است که باید پرداخت شود، هر چند در مقدار و شرایط آن، میان مذاهب اختلاف است و این اموال و دارایی‌ها که باید مالیات آن پرداخت شود، در برخی مذاهب نام «زکات» به خود گرفته و در برخی مذاهب از آن با عنوان «خمس» یاد شده است، و این تفاوت نامگذاری در حقیقت آن، تأثیری ندارد، همچنان که در برخی از کتب؛ مانند ارشاد علامه حلی رحمه الله (علامه؛ در ارشاد، عنوانی با نام «کتاب الخمس» نیاورده بلکه در کتاب «الزکات» سه بحث دارد: «النظر الأول فی زکات المال»، «النظر الثانی فی زکات الفطرة» و «النظر الثالث فی الخمس») نیز مشهود است؛ در حقیقت، خمس نوعی از زکات است و در زیر مجموعه زکات قرار گرفته است با این تفاوت که باید پرداخت شود. همانطور که پرداخت زکات در موارد وجوب آن یکسان نیست و در هر موردی مقدار خاصی باید پرداخت شود و این تفاوت در مقدار، موجب تفاوت در حقیقت آن نمی‌شود.

کتابنامه

قرآن کریم

- امخلاف، حسنین محمد. ۱۹۵۱. *فتاوی شرعیة و بحوث إسلامیة* ۱. ج. مصر :- دار الكتاب العربی.
- ابن رجب، عبدالرحمن بن احمد، عتر، نورالدين، و ترمذی، محمد بن عیسی. ۱۳۹۸- ۱۹۷۸. *شرح علل الترمذی* ۲. ج. [ابی جا] [ابی جا]: دار الملاح.
- امحمد بن مکرم بن علی، أبو الفضل، جمال الدین ابن منظور الأنصاری الرویفی الإفريقی *لسان العرب* (المتوفی: ۷۱۱هـ) الناشر: دار صادر - بیروتواژه قمح؛ ایوب، حسن. بدون تاریخ. *فقه العبادات: الحج* ۱. ج. بیروت - لبنان: دار العلوم الحديثة.
- جزیری، عبدالرحمن، *الفقه علی مذاهب الاربعه*، ج ۱، ص ۳۲۸، بیروت، المكتبة العصریه، ۱۴۲۶ق.
- جعفر پیشه فرد، مصطفی.، ۱۳۸۸ ه.ش.، *درآمدی بر فقه مقارن*، تهران - ایران، بعثه مقام معظم رهبری. معاونت امور روحانیون، صفحه: ۴۴۴
- خمینی، سید روح الله، *توضیح المسائل*، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۴۲۶ق.
- سجاد چوبینه، *اهل سنت و مسئله زکات*، مجله فرهنگ جهاد زمستان ۱۳۸۳ و بهار ۱۳۸۴، شماره ۳۸ و ۳۹
- شلتوت، محمود، و حلبی اثری، علی. بدون تاریخ. *الفتاوی المهمات للشیخ محمود شلتوت فی العقائد و الغیبات و البدع و المنکرات* ۱. ج. دمام - عربستان
- علامه حلبی، حسن بن یوسف إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان، قرن: ۸ تاریخ وفات: ۷۲۶ ه.ق. ناشر: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم. مؤسسة النشر الإسلامي محل نشر: قم - ایران سال نشر: ۱۴۱۰ ه.ق. تعداد جلد: ۲ زبان: عربی
- الغروی و یاسر مازح، *الفقه علی المذاهب الاربعه و مذهب اهل البيت*، کتاب الزکاة. فخر رازی، محمد بن عمر، و مکتب تحقیق دار احیاء التراث العربی. ۱۴۲۰-۱۹۹۹. *التفسیر*

الكبير. ٣٢ ج. بيروت لبنان: دار إحياء التراث العربي.
قرضاوى، يوسف. تعداد جلد: ٢. زبان: عربى. ناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت - لبنان. سال نشر:
١٣٩٣ هجرى قمرى ١٩٧٣ ميلادى. كد كنگره/٤/١٨٨ BP: ق٤ف٧...
محمد رشيد بن علي رضا بن محمد شمس الدين بن محمد بهاء الدين بن منلا علي خليفة
القلموني الحسيني تفسير المنار (المتوفى: ١٣٥٤هـ)
مصطفى الحلبي، بداية المجتهد، ج ١، ص ٢١٧. به نقل از فقه الزكاة.
مغنيه، محمد جواد، الفقه على مذاهب الخمسه، الفقه على المذاهب الخمسة قرن: ١٤ تاريخ
وفات: ١٤٠٠ هـ. ق. ناشر: دار التيار الجديد محل نشر: بيروت - لبنان سال نشر: ١٤٢١ هـ. ق. تعداد
جلد: ٢ زبان: عربى
مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى، تحرير الوسيله، ج ١، كتاب الخمس و كتاب الزكات (قم،